



کارنامه نفتی دولت یازدهم ضعیف بود

اهداف ترسیمی نفت واقعی نیست، سازمان برنامه منفعل عمل کرده است

مصاحبه با غلامحسین حسن تاش؛ تحلیل گر ارشد مسائل انرژی

دکتر غلامحسین حسن تاش در مصاحبه با دیپلماسی انرژی، بی‌پرده و بسیار صریح نظراتش در مورد عملکرد وزارت نفت در دولت یازدهم را مطرح می‌کند. وی بر این نظر است که وزارت نفت در بسیاری از حوزه‌های عملکرد ضعیفی داشته است. حسن تاش می‌گوید زنگنه گزینه مناسبی برای تصدی وزارت نفت دولت یازدهم نبود و این وضعیت وخیم وزرات نفت در دولت‌های نهم و دهم بود که باعث شد وی برای این سمت انتخاب شود. غلامحسین حسن تاش اهداف تعیین شده برای وزارت نفت در برنامه ششم را غیرواقعی می‌داند و می‌گوید سازمان برنامه اهداف پیشنهادی توسط وزارت نفت را به صورت منفعلانه پذیرفته و در برنامه جای داده است. وی در بررسی کارنامه وزرات نفت، ابتدا شاخصه‌هایی که باید عملکرد وزرات خانه بر اساس آن‌ها سنجیده شود را ارائه می‌دهد و سپس با تفصیل بیشتری ارزیابی خود از عملکرد وزرات خانه در حوزه‌های مختلف را شرح می‌دهد.

عددی رسیده است؟
 ب- میزان بهره‌برداری از میداین مشترک و نسبت برداشت ما از میداین مشترک در مقایسه با طرف مقابل، در اول و پایان دوره چه بوده است؟
 ج- میزان واقعی پیشرفت کار در طرح‌ها و پروژه‌های کلیدی صنعت نفت نسبت به برنامه چه بوده، یعنی چقدر از برنامه جلو یا عقب است.
 د- وضعیت ضریب بازیافت از میداین نفتی و خصوصاً میداین قدیمی در ابتدا و پایان دوره چه بوده است و خصوصاً در این رابطه وضعیت تزریق گاز به میداین (به عنوان کلیدی‌ترین عامل افزایش بازیافت) چه گونه بوده و چه فاصله‌ای با برنامه‌های مصوب دارد.
 ه- میزان انتشار آلاینده‌های زیست محیطی صنعت نفت در پایان دوره نسبت به ابتدای آن چگونه بوده است و در این رابطه خصوصاً میزان گازهای همراه نفت یا میعانات گازی که سوزانده می‌شده چقدر کاهش یافته است.
 و- وضعیت بهره‌وری نیروی کار، سرمایه، مواد، انرژی و نیرو در ابتدا و پایان دوره چه بوده است و قیمت تمام شده

♦ در مقام تحلیل، اگر بخواهید معیارهایی را به عنوان مبنای ارزیابی عملکرد وزارت نفت مطرح سازید، این معیارها کدامند؟ مهمترین شاخص‌هایی که از نظر شما می‌توان طبق آن‌ها به تحلیل و ارزیابی وزارت نفت در چهار سال گذشته نشست، چیست؟
 سوال بسیار مهمی را مطرح فرمودید. متأسفانه یکی از گرفتاری‌ها این است که اغلب، معیارهای معین و روشنی برای ارزیابی عملکرد وزرا و مدیران کشور وجود ندارد و در چنین شرایطی ارزیابی‌ها بر اساس مسائل دم‌دستی و سطحی و آنچه که جلوه داده می‌شود، صورت می‌گیرد که ارزشی ندارد. معیارهای ارزیابی باید با توجه به برنامه‌ها و اولویت‌های کشور تعیین شود. من با توجه به برنامه‌ها و اولویت‌هایی که دولت یازدهم در اسناد مختلف نفت و انرژی داشته است و در اسناد برنامه‌ای وجود داشته است به عنوان نمونه فکر می‌کنم معیارها و شاخص‌های زیر را می‌توان ملاک ارزیابی وزارت نفت قرار داد:
 الف- شاخص شدت انرژی به عنوان معیار کارایی انرژی در اول این دولت چه عددی بوده و در پایان دولت به چه



اما من تنها بخشی از مورد اول را به حساب کارنامه وزیر دولت یازدهم می‌گذارم. واقعیت این است که به هر حال همه وزاری که در نفت آمدند و رفتند طرح توسعه لایه گازی پارس جنوبی را در اولویت کاری خود قرار داده و تلاش‌هایی را در مورد آن انجام داده بودند که البته وزارت نفت در دولت یازدهم قدری بیشتر به آن پرداخت و قدری هم وارث نتایج تلاش‌های گذشته شد و قدری از پیشرفت کار نیز مرهون برجام و رفع موانع تامین تجهیزات بود. مورد دوم یعنی افزایش تولید نفت، عمدتاً حاصل زحمت مردان تلاش‌گر صنعت نفت در مناطق عملیاتی و شرکت‌های تولیدی خصوصاً در مناطق نفت‌خیز جنوب بود، یعنی همان کسانی که وزیر هرگز برخورد خوبی با آنها نداشته است. واقعیت این است که این مردان بودند که در دوره شدت تحریم‌ها و کاهش تولید و صادرات نفت کشور، طوری با میادین و چاه‌ها و تاسیسات نفتی رفتار کردند که با رفع موانع بلافاصله تولید افزایش یابد و هر وزیری هم بود این اتفاق می‌افتاد. در مورد سوم یعنی توافق اوپک نیز قبلاً به تفصیل نوشته‌ام و استدلال کرده‌ام که با توجه به فضای بین‌المللی بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ، عربستان سعودی به هر دلیل تصمیم گرفت که از کارشکنی گذشته در اوپک دست بردارد و قدری در جهت کنترل تولید همکاری کند.

♦ شما یکی از منتقدان عملکرد آقای زنگنه در دولت هفتم و هشتم بودید و در ابتدای دولت یازدهم نامه‌ای به آقای روحانی نوشتید که حاوی پرسش‌هایی انتقادی از عملکرد زنگنه در وزارت نفت دولت اصلاحات بود. عملکرد این دوره از وزارت زنگنه چه تفاوت‌هایی با عملکرد وی در دولت اصلاحات داشت؟ همان نقدها را وارد می‌دانید یا بهبود حاصل شده و یا این که که کلاً عملکرد وی از زمان وزارت نفت در دولت اصلاحات هم بدتر شده است؟ واقعیت این است که انتخاب مجدد آقای زنگنه به وزارت نفت در سال ۱۳۹۲ متأسفانه بر مبنای ارزیابی و ارزشیابی دقیق رفتار و عملکرد ایشان در دوره‌های قبلی مسئولیت

فعالیت‌ها و تولیدات چه تغییری کرده است. ز- بازدهی پالایشگاه‌ها از نظر ترکیب و کیفیت فرآورده‌های تولیدی چه تغییری کرده است. ح- وضعیت ایمنی در صنعت نفت چگونه بوده است، تعداد سوانح چقدر افزایش یا کاهش داشته است. ط- وزارتخانه چقدر به سمت وظایف حاکمیتی یعنی سیاست‌گذاری، کنترل و نظارت و رگولاتوری و امثال آن حرکت کرده یا چقدر درگیر و اسیر تصدی‌گری بوده است. ی- چه برنامه‌های روشنی برای توسعه صنعت نفت وجود داشته و دارد و این برنامه‌ها براساس چه مطالعاتی تدوین شده است. ک- وضعیت رضایتمندی نیروی انسانی چگونه بوده است و چه تمهیداتی برای رشد و ارتقاء نیروها و جانشینی مدیران اندیشیده و برنامه‌ریزی شده است. ل- انتصاب مدیران در زیر مجموعه‌های وزارتخانه تا چه حد بر مبنای شایستگی و تا چه حد بر اساس روابط بوده است و عملکرد این مدیران چیست. م- عملکرد در زمینه دیپلماسی انرژی چگونه بوده است، پرونده‌های خارجی کشور مانند پرونده کرسنت، پرونده صادرات گاز به پاکستان و امثال آن چقدر رو به حل و فصل رفته است.

♦ حال طبق این معیارها، عملکرد وزارت نفت در دولت یازدهم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ این وزارتخانه در چه حوزه‌هایی موفقیت داشته و در چه حوزه‌های عملکرد ضعیف یا بسیار بدی داشته است؟

من عملکرد وزارت نفت را در اغلب معیارها و شاخص‌های فوق، بسیار پائین ارزیابی می‌کنم. در دولت یازدهم تنها دو یا سه موفقیت به حساب عملکرد وزیر نفت ثبت شده است که عبارتند از: ۱- پیشرفت بعضی از فازهای پارس جنوبی ۲- افزایش سریع تولید نفت و رساندن آن به رکوردهای گذشته بعد از برجام و رفع محدودیت‌های صادرات نفت؛ و ۳- توافق اوپک برای کنترل تولید بعد از مدتها بی‌حرکی اوپک.

افزایش تولید نفت، عمدتاً حاصل زحمت مردان تلاش‌گر صنعت نفت در مناطق عملیاتی و شرکت‌های تولیدی خصوصاً در مناطق نفت‌خیز جنوب بود، یعنی همان کسانی که وزیر هرگز برخورد خوبی با آنها نداشته است. واقعیت این است که این مردان بودند که در دوره شدت تحریم‌ها و کاهش تولید و صادرات نفت کشور، طوری با میادین و چاه‌ها و تاسیسات نفتی رفتار کردند که با رفع موانع بلافاصله تولید افزایش یابد و هر وزیری هم بود این اتفاق می‌افتاد.



تعهداتشان عمل نکرده‌اند، شاید تا قبل از برجام بهانه‌های سیاسی داشتند ولی بعد از آن باید محکم پیگیری می‌شد و شرایط ادعا و دریافت خسارت فراهم می‌شد، ولی کاری نشده است. قرار داد صادرات گاز به عراق مربوط به دولت نهم یا دهم است که در دولت یازدهم اجرائی شده است. عمانی‌ها سال هاست که متقاضی گاز ما هستند شاید از زمان دولت هفتم و هشتم؛ صادرات به عمان کار خوبی هم است اما متأسفانه بسیار کند پیش می‌رود که به نظر من عمدتاً ناشی از ضعف وزارت نفت است. در مورد ترکیه تا جائی که من اطلاع دارم ترک‌ها سه دسته شکایت در مورد گاز ایران در دادگاه‌های بین‌المللی مطرح کرده‌اند که یک دسته به قطعی‌های گاز یا کاهش‌های غیرمترقبه مربوط است و دسته دیگر به مشخصات گاز و عدم تطبیق مشخصات گاز تحویلی با مشخصات گاز تعیین شده در قرارداد از نظر ارزش حرارتی و غیره؛ جالب است که اتفاقاً اغلب اتان گاز صادراتی و در نتیجه ارزش حرارتی گاز بهتر از مشخصات قرارداد بوده است. و دسته سوم که اصلی‌تر است مساله قیمت بوده است. بنظر من هم در جلوگیری از طرح این شکایات‌ها و هم در حل و فصل این مسائل ضعیف عمل شده است. در مورد ترکمنستان به نظر من قطعاً قصور شده است که داستان آن مفصل است و جا داشت که مراجع نظارتی بررسی دقیقی می‌کردند.

◆ بحث کرسنت همچنان ادامه دارد. در این پرونده امکان اتخاذ دو استراتژی متفاوت وجود دارد: یا قرارداد کرسنت اصلاح شود و با مصالحه‌ای که در نتیجه آن قیمت گاز منطقی می‌شود، صادرات گاز به امارات آغاز شود؛ یا بحث فساد در این قرارداد با قوت تمام در دادگاه پیگیری شود و قرارداد به کلی با ادله حقوقی مستدل، ملغی گردد. اتخاذ هر کدام از این دو استراتژی، شجاعت و دید فراجحاحی

ایشان خصوصاً در وزارت نفت نبود، بلکه تحت تاثیر وضعیت وخیمی بود که دولت نهم و دهم در سطح کشور و به ویژه در وزارت نفت پدید آورده بود و آن وضعیت وخیم، ناکارائی‌ها و عملکردهای منفی مدیریت وزارت نفت در دوره گذشته را نیز تحت الشعاع قرار داده بود. در شرایط بعد از انتخابات ۹۲ در مقابل انتقاداتی که نسبت به عملکرد گذشته آقای زنگنه وجود داشت، گفته می‌شد که ایشان تعهد داده‌اند که روش و منش گذشته را تکرار نکنند ولی به نظر من دقیقاً همان روش و منش و شاید حتی بدتر از آن تکرار شد.

◆ می‌دانیم که کشور تا اواسط دولت یازدهم در چنبره تحریم‌ها گرفتار بود. رئیس‌جمهور، وزارت نفت را یکی از وازرتخانه‌های موفق می‌داند بر این اساس که تولید نفت در مدت کوتاهی تا ۳,۸ میلیون بشکه در روز افزایش یافت و ایران تقریباً توانست بازارهای از دست رفته را پس بگیرد. آیا این معیار برای ارزیابی وزارت نفت اصولاً معیار مناسبی است؟ آیا اگر هر کس دیگری وزیر نفت می‌بود، این نتیجه حاصل نمی‌شد؟

در پاسخ سوال ۲ عملاً این را پاسخ دادم و اضافه می‌کنم که این به هیچ وجه برای ارزیابی وزارت نفت کفایت نمی‌کند. به هر حال صنعت نفت ایران رکورد شش میلیون بشکه تولید نفت را در کارنامه دارد و مردانی هستند که وارث تجربه آن رکورد هستند و امکاناتی هم برای آن وجود داشته است، اگر این مردان مورد حمایت و پشتیبانی وزیر قرار گرفته بودند می‌توانستند ارزش‌های بسیار بیشتری در مسیر توسعه صنعت نفت بیافرینند.

◆ در این دوره از وزارت آقای زنگنه در صادرات گاز به پاکستان پیشرفتی صورت نگرفت و ایران بحث اخذ غرامت از این کشور را نیز پی نگرفته است. علاوه بر این، پرونده جدیدی برای صادرات گاز به عمان گشوده شد و صادرات گاز به عراق نیز بالاخره پس از مدت‌ها کش و قوس، آغاز شد. در بحث صادرات گاز به ترکیه هم که ایران با جریمه‌های سنگین مواجه شد. در مقابل، ترکمنستان با هیچ مشکلی گاز را در اوج سرمای زمستان بر روی کشورمان قطع کرد، بی‌آنکه جریمه‌ای بپردازد یا دعوی علیه این کشور مطرح شود. نظر شما در مورد عملکرد در این حوزه‌های مهم چیست؟ آیا در این حوزه‌ها مطابق منافع کشور یا طبق یک برنامه حساب‌شده، عمل شده است؟

هر کدام اینها توضیحات خود را دارد. صادرات به پاکستان از اشتباهات آقای زنگنه در دوره قبلی وزارتشان بود چون بعد از خروج هندی‌ها از خط لوله موسوم به صلح که مقصد اصلی صادرات بودند، اصولاً صادرات به پاکستان توجیه اقتصادی نداشت؛ در این دوره هم پیگیری درستی برای تعیین تکلیف نکرده‌اند. پاکستانی‌ها سال‌هاست که به

واقعیت این است که انتخاب مجدد آقای زنگنه به وزارت نفت در سال ۱۳۹۲ متأسفانه بر مبنای ارزیابی و ارزشیابی دقیق رفتار و عملکرد ایشان در دوره‌های قبلی مسئولیت ایشان خصوصاً در وزارت نفت نبود، بلکه تحت تاثیر وضعیت وخیمی بود که دولت نهم و دهم در سطح کشور و به ویژه در وزارت نفت پدید آورده بود و آن وضعیت وخیم، ناکارائی‌ها و عملکردهای منفی مدیریت وزارت نفت در دوره گذشته را نیز تحت الشعاع قرار داده بود.



برداشت به میادین نفت تزریق شود، یا خوراک واحدهای پتروشیمی و نیروگاهها شود. دولت پشت دولت، هر سه این راهها دنبال شده و در هر سه هم، از برنامه عقب هستیم. علت این امر چیست و وزارت نفت دولت یازدهم چه عملکردی در این حوزه داشته است؟

متاسفانه در مورد گاز مانند بسیاری از موارد دیگر هرگز برنامه روشنی وجود نداشته است کارها بر اساس پیش‌بینی و برآورد درستی از رشد تقاضای داخلی و پیش‌بینی دقیقی از سرعت پیشرفت فازهای پارس جنوبی و میزان واقعی تولید هر فاز و پروفایل تولید مخزن نبوده است. همچنین هرگز مطالعات دقیق و درستی در مورد مقایسه فنی اقتصادی گزینه‌هایی که اشاره کرده‌اید، نشده است. برنامه بلندمدت گاز مطالعه می‌خواهد و قبل از آن باید مشخص شود که به لحاظ راهبردی و امنیتی حداکثر سهم گاز در سبد انرژی کشور چه قدر باید باشد. متاسفانه در مورد تزریق به میادین نفتی قصور زیادی وجود دارد و علی‌رغم این که وزیر نفت دائم از افزایش بازیافت دم می‌زند ولی در این مورد که مهمترین و اولیه‌ترین وسیله افزایش بازیافت است عنایتی نداشته است. از سوی دیگر متاسفانه واقعیت این است که خصوصاً با توجه به عملکرد بین‌المللی دولت نهم و دهم بازارهای مطلوب گاز را تا سال‌ها از دست داده‌ایم. چون بازارهایی که حساب و کتاب دارند برنامه‌شان را برای بلندمدت می‌بندند و ما را بیرون گذاشته‌اند، ضمن این که رقابت هم خیلی زیاد شده است. به هر حال به نظر من در حال حاضر اولویت با تزریق است.

♦ **عمر دولت دوازدهم با سال‌های اجرای برنامه ششم توسعه مصادف شده است. (به گواه مسئولان وزارت نفت) طبق برنامه تا سال ۱۴۰۰ باید تولید نفت خام به ۴,۷ میلیون بشکه در روز، تولید گاز به ۱,۳**

می‌طلبد. وزارت نفت در این پرونده در دولت یازدهم چه عملکردی داشت؟

به نظر من اگر ریاست محترم دولت یازدهم به تبعات وزیر شدن آقای زنگنه بر روی پرونده کرسنت تعمق می‌کردند، ایشان را به این وزارتخانه بر نمی‌گرداندند چراکه به هر حال کسی که ذی‌مدخل اشتباهی بوده است به سختی می‌تواند آن اشتباه را حل و فصل کند؛ خصوصاً اگر این فرد کسی باشد که حاضر به پذیرش اشتباهات خود نباشد که اگر بود شاید با آن همه اشتباهات حاضر به پذیرش دوباره مسئولیت در وزارت نفت نمی‌شد. متاسفانه چندان اشتباهات مکرر در پیگیری این پرونده شده است که شاید بحث فساد برای ملغی کردن قرارداد دیگر قابل پیگیری نباشد به عبارتی به نظر می‌رسد که چنین تلاشی به قول معروف سوزانده شده است. اما اگر مطالب و مصاحبه‌های بنده را مطالعه بفرمائید بنده از ابتدا نظرم این بود که قرارداد بد است ولی باید اجرا شود. بنظر من عاملین انعقاد قرارداد باید مجازات می‌شدند و حداقل آن انفصال از خدمات دولتی بود ولی قرارداد بعنوان یک تعهد بین‌المللی اجرا می‌شد و در جریان اجرای آن هم اعتبار کشور حفظ می‌شد و هم فرصت‌هایی مانند صادرات گاز به کویت از دست نمی‌رفت و هم در عمل امکان اصلاح قرارداد بهتر فراهم می‌شد یعنی خود وابستگی امارات به گاز ما، اهرم فشار برای اصلاح قرارداد در مقطعی مناسب می‌شد. متاسفانه منافع ملی در جریان کرسنت قربانی تضادهای جناحی شد و فصل‌خطابی هم نبوده است که کار را جمع کند و نگرانی این است که خسارت کشور در این مورد روز به روز سنگین‌تر شود.

♦ **در بحث نحوه برخورد با گاز تولیدی چند کار می‌تواند صورت گیرد که هر یک طرفدارانی در بین کارشناسان دارد: یا صادر شود، یا برای ازدیاد**

به نظر من اگر ریاست محترم دولت یازدهم به تبعات وزیر شدن آقای زنگنه بر روی پرونده کرسنت تعمق می‌کردند، ایشان را به این وزارتخانه بر نمی‌گرداندند چراکه به هر حال کسی که ذی‌مدخل اشتباهی بوده است به سختی می‌تواند آن اشتباه را حل و فصل کند؛ خصوصاً اگر این فرد کسی باشد که حاضر به پذیرش اشتباهات خود نباشد که اگر بود شاید با آن همه اشتباهات حاضر به پذیرش دوباره مسئولیت در وزارت نفت نمی‌شد.



قبل از هر چیز در وزارت نفت باید حیطه‌های حکمرانی و تصدی‌گری کاملاً از هم تفکیک شود و ستاد وزارتخانه فقط و فقط به حکمرانی بپردازد که البته باید ابتدا حکمرانی یا GOVERNANCE را بیاموزند. خصوصاً در شرایطی که طبق سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ دیگر قرار نیست وزارت نفت در بخش پائین دستی و پتروشیمی سرمایه‌گذاری کند، این مساله اهمیت مضاعف پیدا کرده است.

مساله بسیار مهم بعدی اصلاح نظام تصمیم‌گیری است که باید از حالت شخصی و هیأتی موجود خارج شود. در دنیای امروز خصوصاً در صنعت عظیمی چون صنعت نفت باید تصمیمات بر مبنای مطالعه جامع و کارشناسی اتخاذ شود. طرح‌ها و پروژه‌ها باید بر مبنای مطالعات جامع فنی، اقتصادی، اجتماعی و مطالعات بازار تعریف شوند. به عبارت دیگر باید نرم‌افزارها در صنعت نفت تقویت شوند. مساله سوم بحث کلیدی ارتقاء بهره‌وری است که متأسفانه بسیار پائین است و باید باور به ضرورت ارتقاء بهره‌وری وجود داشته باشد و خصوصاً باید اراده جدی بر بازسازی نیروی انسانی در صنعت نفت وجود داشته باشد، چه از نظر انگیزشی و دانشی و چه از جهات دیگر و باید شایسته‌سالاری حاکم شود.

مساله چهارم باور و اعتقاد به توانایی‌های داخلی است. بنده شخصاً هیچ مشکلی با جذب سرمایه و فناوری خارجی در هر جا که لازم است نداشته و ندارم اما این که ما توانایی‌های داخلی را تضعیف کنیم یا نفی و تحقیر کنیم و یا نادیده بگیریم و یا معطل بگذاریم که کشور را به ضرورت جذب همکاری خارجی مجاب کنیم، اصلاً کار درستی نبوده است. معطل کردن همه مسائل صنعت نفت و تقلیل دادن همه چیز به این که یک مدل قراردادی تدوین شود که برای شرکت‌های خارجی جذاب باشد روشن‌ترین دلیل این مدعاست. و مساله بسیار مهم دیگر شفافیت در فعالیت‌ها، تصمیمات و عملکرد صنعت نفت است. ■

میلیارد متر مکعب در روز، تولید میعانات گازی به ۱،۱ میلیون بشکه در روز و تولید محصولات پتروشیمی به ۱۰۰ میلیون تن در سال برسد. با رویه‌ای که دولت یازدهم داشته، آیا با همان رویه می‌تواند به این اهداف در ۱۴۰۰ دست یابد؟

به نظر من این اهداف بر اساس واقعیات تعیین نشده‌اند. میادین نفتی ایران اصولاً پتانسیل رسیدن به تولید ۴،۷ میلیون بشکه در روز را ندارند. در مورد گاز ممکن است این پتانسیل وجود داشته باشد اما اگر دقت کنید این به معنای حدوداً دو برابر شدن تولید گاز ظرف ۴ سال است در حالی که اگر روند واقعی را در نظر بگیرید دوبرابر شدن تولید گاز ایران در گذشته در یک دوره بیش از ده ساله اتفاق افتاده است و لذا این قابل تحقق به نظر نمی‌رسد و به تبع آن میعانات هم به این میزان حاصل نخواهد شد. در مورد پتروشیمی احتمال کمی دارد که این اتفاق بیفتد اما متأسفانه صنعت پتروشیمی موجود ما مواد پایه با ارزش افزوده بسیار کم تولید می‌کند و متأسفانه طرح‌ها و پروژه‌هایی که هم‌اکنون در جریان است نیز ادامه همان روند غلط گذشته است.

ایکاش سازمان برنامه قبل از نهایی کردن برنامه ششم، عملکرد اهداف تعیین شده برای صنعت نفت در برنامه‌های گذشته را و میزان تحقق آن را بررسی می‌کردند و آنگاه قطعاً متوجه می‌شدند که نباید عدد و رقم‌های توهمی که توسط وزارت نفت ارائه می‌شود را بی‌چون و چرا بپذیرند. متأسفانه سازمان برنامه منفعلانه برخورد کرده است.

چه پیشنهادهاتی برای کارکرد بهتر وزارت نفت در دولت دوازدهم دارید؟ چه چیزهایی باید در فاصله مرداد ۹۶ تا مرداد ۱۴۰۰ در اولویت وزارت نفت قرار گیرد؟

فهرست آنچه که باید بشود مطول و از حوصله خارج است لذا موارد کلیدی را عرض می‌کنم.

ایکاش سازمان برنامه قبل از نهایی کردن برنامه ششم، عملکرد اهداف تعیین شده برای صنعت نفت در برنامه‌های گذشته را و میزان تحقق آن را بررسی می‌کردند و آنگاه قطعاً متوجه می‌شدند که نباید عدد و رقم‌های توهمی که توسط وزارت نفت ارائه می‌شود را بی‌چون و چرا بپذیرند. متأسفانه سازمان برنامه منفعلانه برخورد کرده است.